

نفوذ امنیتی و آزادی به مثابه سیاست



کیومرث اشتریان

مهم‌ترین خطر نفوذ آن نیست که رصد می‌کند، گزارش می‌دهد، خبرچینی می‌کند، یا «گرا» می‌دهد. امروزه به دلیل توسعه فناوری چنین کارکردهایی موضوعیتی درخور ندارد. شاید بزرگ‌ترین خطر نفوذ، به‌تصلیب‌کشیدن نظام تصمیم‌گیری است که می‌تواند دستگاه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی را دربر بگیرد. می‌گویند جاسوس نفوذی افراد ضعیف را به پست‌های مدیریتی راه می‌دهد تا به ناکارآمدی دامن بزند. اگرچه ممکن است چنین باشد اما خطر آن به اندازه مسدودکردن و انحراف تصمیم‌گیری نیست. او تصمیم سیاسی را به صلابه افراطی‌گری می‌کشد و موجی از دریای جهالت درون سیستم به راه می‌اندازد. لشکری از خودی‌ها را با شعارهای «پاک» اما همگام با بیگانگان، بسیج می‌کند. یک نمونه از کارکرد آن این چنین است: مواضع افراطی می‌گیرد، مخالفان را مرعوب می‌کند، از ابزار «وفاداری به سیستم» سر سودای خصم و آهنگ رزم با همگان برمی‌آورد، شورش جماعت‌نادران را بر ضد شما برمی‌انگیزد، سنگ‌های جهالت به درون چاه می‌اندازد تا هزار عاقل نتوانند آن را درآوردند. دیگر فرق دوست و دشمن تو ندانی؛ همه در کارگاه عظیمی از خائت درمی‌غلتنند. در نهایت می‌بینی که درون سیستم «ما شکل حاجیانیم، جاسوس و رهنایم//حاجی چو در ره آید ما خود زینم راهش». روش‌های مقابله با جاسوس نفوذی که عزم انحراف در تصمیم‌گیری کرده، ممکن است متنوع باشد اما یکی از راه‌های مقابله با آن ترویج «آزادی کارشناسی در نظام تصمیم‌گیری» است. هرچه افراد از آزادی و امنیت لازم برخوردار باشند، نظرات گوناگون به عرصه نقد و نظر می‌آید. نظرات افراطی در یک «زمینه عمومی» از فرصت رشد برخوردار نخواهد بود. ایجاد چنین «زمینه‌های عمومی» از طریق آزادی‌های کارشناسی امکان‌پذیر است.

۵ صفحه
ادامه در صفحه ۵

یادداشت

حمله پیش‌دستانه

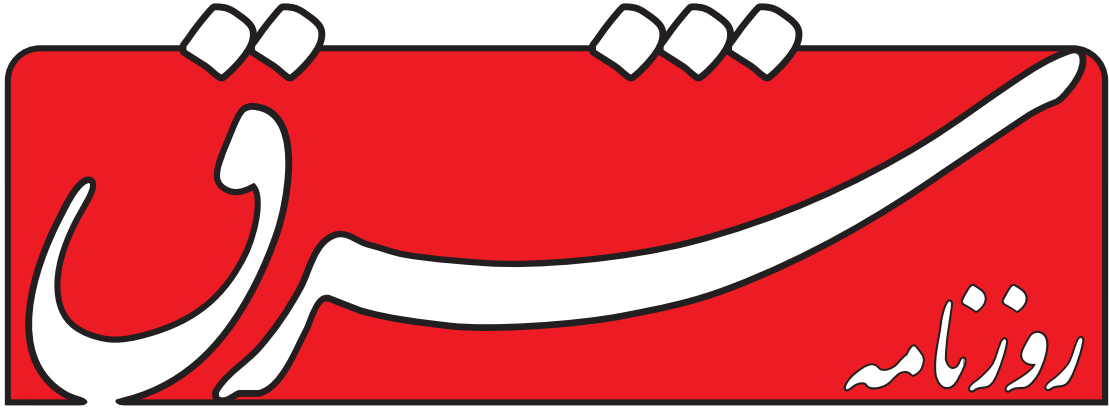


غلامرضا نظربند

تحلیگر

عضوی از پارلمان اسرائیل (کنست) گفته است: منتظر حمله نباشید؛ ما باید با یک حمله پیش‌دستانه خسارات استراتژیک به اقتصاد ایران وارد کنیم. این اظهارات گرچه ممکن است کم‌اهمیت بود حتی بی‌اهمیت جلوه بود، چراکه از زبان نماینده‌ای بیان شده که هیچ‌گونه مسئولیت رسمی نداشته و اظهاراتش هم نمی‌تواند در هیچ محکمه‌ای در رد یا تأیید دعوی‌ای مورد استناد قرار گیرد، اما در اصل حائز اهمیت زیاد است. حمله پیش‌دستانه (pre-emptive strike) نوعی کنشگری است که با هدف مقابله پیشاپیش با حمله قریب‌الوقوع احتمالی طرف دیگر (دشمن) صورت می‌گیرد. اقدام به این نوع حمله در سند راهبردی امنیت ملی خیلی از کشورها از جمله ایالات متحده آمده و اسرائیل هم آن را بارها و در وضعیت‌های گوناگون عملیاتی کرده است. برای آنکه چنین حمله‌ای موجه جلوه کند، پیش‌شرط‌هایی لازم است که از جمله قریب‌الوقوع و جدی‌بودن تهدید، از ناحیه طرف مقابل است. اثبات اینکه تهدید، جدی و قریب‌الوقوع بوده، از جمله موکول به رفتار همان طرف است. اتخاذ سیاست تبلیغاتی و احیانا جنگ روانی با ادبیاتی نظیر وعده صادق دیگری در پیش است یا توییت‌زنی منتسب به اشخاصی دارای جایگاه در قضیه مذاکرات هسته‌ای تحت عنوان «اسرائیل را ترک کنید»، «موشک‌ها در راهند»... و دادن عنوان مشاور وزارت خارجه به توییت‌زن (هرچند که توییت بعدی درصدد اصلاح برآمد و شوروی‌بخانه با این کار، فایزیک‌بودن توییت اولیه را ثابت کرد)، می‌تواند در جهت اثبات جدی و حتی قطعی و قریب‌الوقوع بودن حمله نظامی انتقام‌جویانه مورد کارسازی رژیم جانی و باغی اسرائیل واقع شود. این یادداشت درصدد پرداختن به موضوع ضرورت داشتن یا نداشتن پاسخ ایران به ترسور رهبر جنبش حماس در خاک کشورمان نیست که البته در یادداشتی مستقل جای پرداختن دارد.

۵ صفحه
ادامه در صفحه ۵



یکشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۳
۲۹ محرم ۱۴۴۶
۴ آگوست ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۹۴
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

واکنش سخنگوی شورای نگهبان به انتقادها

تأیید صلاحیت‌ها بر اساس قانون بود

نه تحسین و سرزنش دیگران

۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: گفت‌وگو با ژاک رانسیر درباره بحران دموکراسی: آیا دموکراسی از نفس افتاده است؟ • لایه‌های پنهان فراغت در ایران

گزارشی از بازگشت نگرانی‌ها به تالار بازار سرمایه و ریزش نامطلوب شاخص‌ها

خاف‌لگیری بورس

گزارش تینریک را در صفحه ۴ بخوانید



گزارشی از روند سیاسی ایران در ۳ دهه گذشته برای تقابل با یکدست‌سازی ارکان حکومت

انسجام به جای یکدستی

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

مسئولیت اجتماعی آن‌هم از نگاه وزارت تعاون و رفاه



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

مسئولان وزارت تعاون و رفاه با عنوان برطمطراق کارگروه مسئولیت اجتماعی در آخرین اقدامات خود قبل از معرفی وزیر جدید، نهادهای وابسته ازجمله صندوق تأمین اجتماعی را ملزم کرده‌اند که جمعا مبلغ ۲۵۰ میلیارد تومان برای هفت عنوان درخواست وارز کنند. نکته‌ای که به‌درستی مورد توجه ناظران و منتقدان قرار گرفته، این است که از یک سو این تصمیم از جیب بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران برداشت می‌شود، از سوی دیگر به‌نوعی شبیه رانت در این مصوبه مطرح است، مثلا ۱۵ میلیارد تومان به درخواست فلان مؤسسه ناشناخته تخصیص یافته است، درحالی‌که آخرین آگهی روزنامه رسمی مؤسسه مربوط به سه سال پیش است و اطلاعات مرتبط با فعالیت‌های آن از چند کلمه تجاوز نمی‌کند. طبعاً این مسئله باید از سوی نهادهای ناظر ردیگری شود. همچنین خواسته برحق ناظران از وزیر جدید مجموعه این خواهد بود که در اولین فرصت شیوه‌نامه ناردست تصمیم‌گیری و تحمیل هزینه را برهم زده و مانع اجرای این‌گونه به‌اصطلاح مصوبات بشود. اما نکته تأمل‌برانگیز دیگر دراین‌میان استفاده نابجا از مفهوم مسئولیت اجتماعی و فروکاستن آن به تأمین اعتبار برگزاری برخی مراسم‌ها یا پرداخت هزینه برخی پروژه‌های نورچشمی است. میحث مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها را می‌توان نگاهی خردمندانه به مالیات و تأمین مالی پروژه‌های اجتماعی دانست. یک بنگاه بزرگ که در منطقه‌ای کمتر توسعه‌یافته مستقر شده، با طول‌اندازی مؤسسه آموزشی تخصصی از یک سو نیروی انسانی مورد نیاز خود را با هزینه اندک تربیت و جذب می‌کند و از سوی دیگر با کمک به جریان ارتقای شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی، توسعه منطقه‌ای را سرعت می‌بخشد و علاوه‌براین از ظرفیت تبلیغی این فعالیت به بهترین نحو استفاده می‌کند. به بیان دقیق‌تر این بنگاه به جای اینکه بخشی از درآمد خود را به‌عنوان مالیات در اختیار دولت بگذارد تا از مسیر بوروکراسی برهزنی دولتی هزینه شده و منفععی هم نصیب مالیات‌دهنده بشود، خود به صورت

یادداشت

سایه جنگ و لزوم متحدان استراتژیک



کیکاوس بورایوبی

با پیشرفت و هوشمندشدن ابزارها و ادوات جنگی و به‌کارگیری تجهیزات ویژه در جنگ‌های مدرن امروزی، جهان همچنان برای مقابله با رقیب و رقبا از پارکیری در صحنه‌های نبرد استفاده می‌کند، جنگ چه از نوع گسترده، بازدارنده یا کوتاه‌مدت نه‌تنها در میان قدرت‌های کوچک نیاز به متحدان استراتژیک دارد حتی در میان قدرت‌های بزرگ هم نیاز به پارکیری بیشتر احساس می‌شود. سرمایه‌گذاری هنگفت در تجهیزات لجستیکی، فناوری‌های نوین ماهواره‌ای، اطلاعاتی، جاسوسی، آقندی و پدافندی و... لازم و ضروری است تا کشورها در جنگ‌ها با حمایت‌های همدیگر و ورود به اتحادیه‌های نظامی در پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی برای تجدید قوا در نبردهای سخت‌افزاری خود حضور داشته باشند. ملاحظه بفرمایید در جنگ روسیه و اوکراین، روسیه با داشتن آن همه سیستم‌های پیچیده نظامی در جنگ با اوکراین نیازمند بلاروس، ایران و... است و برعکس اوکراین با پشتیبانی ناتو و به‌خصوص ایالات متحده، جنگ را توانسته به مدت دو سال فرسایشی کند و در مقابل قدرت برتری مانند روسیه ادامه دفاع از خود را میسر کند. ما شاهد هستیم رژیم صهیونیستی نشان داده بیش از هر زمان دیگری آسیب‌پذیرتر شده است، به‌طوری‌که پس از ۹ ماه جنگ ویرانگر غزه با شخم‌زدن آن نتوانسته نیروی مقاومت را وادار به تسلیم کند و تسلط کامل خود را بر آن پارکچه کوچک مستعولی کند، بنابراین برای مهار جبهه مقاومت به‌خصوص در راس آن ایران، متحدان استراتژیک برای خود انتخاب کرده و با تکیه بر آنان دست به هر جنایتی در هر کجا و هر زمانی که لازم

«پرداخت دانک برای سرفصل‌های هزینه‌ای مدنظر مقامات بالا» فروکاسته می‌شود. مقام مافوق به این نهادهای حکم می‌کند که فلان درصد از هزینه فلان فعالیت را شما باید از جیب سهامداران‌تان بپردازید! اما این تمام ماجرا نیست!

صدها سال است که ملت ما عاشقانه داشته و نداشته خود را در طبق اخلاص گذاشته و برای نمایش عشق خود به خاندان عصمت و طهارت و بزرگداشت نام و یاد سالار شهیدان سنگ تمام گذاشته است. به گونه‌ای که هرگز و در هیچ دوره‌ای در طول هزارو اندی سال این جریان با کمبود منابع مالی و امکانات روبه‌رو نشده است، اما بی‌تدبیری مسئولان دلاور ما کار را به آنجا می‌رساند که وزیر تعاون و رفاه آن‌هم در آخرین روزهای برخورداری از حق امضا به رئیس صندوق تأمین اجتماعی امر می‌کند که در وانفاسی مشکلات مالی و محدودیت بودجه‌ای ۶۲ میلیارد تومان به‌عنوان دانک خود از بودجه برگزاری مراسم بزرگداشت سالار شهیدان از جیب سهامدارانش بردارد. البته بدون جلب رضایت صاحبان حق بپردازد و تازه اسم این کار را هم انجام مسئولیت اجتماعی می‌گذارد!

اگر چنین درخواستی مستقیما از بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی نشود تا با تصمیم شخصی و متناسب با بودجه و امکانات‌شان به این برنامه کمک کنند، بی‌تردید مبلغی بسیار عظیم‌تر گردآوری خواهد شد. اما مسئولان دلاور ما فقط عادت دارند بدون اطلاع صاحبان حق دست در جیب مردم کرده و مبلغی اندک بردارند! که نتیجه آن گسترش نارضایتی امت عاشق سالار شهیدان (س) است. به‌راستی چه کسی می‌تواند با یک تیر چند نشان بزند و با یک تصمیم هم یک مفهوم ارزشمند سیاست‌گذاری را به ابتدال آلوده کند و هم بر مظلومیت سالار شهیدان و یاران باوفایش بیفزاید و هم بر انبوه نارضایتی شهروندان اضافه کند؟ البته رانت‌سازی برای متقاضیان فرصت‌طلب بحثی مجزاست.

بداند، می‌زند. دفاع آمریکا، انگلیس، فرانسه و کشورهای منطقه در مقابل حمله گذشته ایران به این رژیم، آن را گستاخ‌تر کرده تا جایی که تمام عرف و قواعد دیپلماتیک را زیر پا می‌گذارد و حریم داخلی کشورها را مورد تجاوز قرار می‌دهد و میهمان مراسم رسمی را ترور می‌کند. سؤال اینجاست اگر این اتحاد استراتژیک برقرار نبود آیا چنین رژیمی با آن موقعیت جغرافیایی که در داخل یک منطقه در‌های تعریف شده و قدرت مانور اندکی دارد در مقابل موشک‌های بالستیک و نقطه‌زن جمهوری اسلامی ایران در امان بود؟ قطعاً پاسخ منفی است. اسرائیل در جنگ متعارف همه چیز را می‌بازد. نتیجه‌ای که از این مسئله مهم می‌توان گرفت، این است که ایران در منطقه به‌شدت مین‌گذاری‌شده خاورمیانه نیاز به متحدان استراتژیک دارد، متحدانی که یار شاطر باشند نه یار خاطر، متحدانی که فقط از منابع و موقعیت جمهوری اسلامی ایران به نفع خود استفاده نکنند و با کارت آن در موقع خطر بازی لازم را انجام ندهند. اکنون جبهه مقاومت با تشکیل کانون و مکان‌های مختلف به تجدید قوا برای بازسازی ساختاری نیاز دارد، زیرا جنگ‌های انفرادی و چریکی در مقابل نیروهای مجهز و مدرن مشکل شده است. وقت آن است ایران متحدان استراتژیک پیدا کند، زمان آن رسیده روسیه و چین حداقل نیازهای اطلاعاتی و امنیتی ایران را تأمین کنند، ایران خواسته یا نخواست در جنگ روسیه با اوکراین متهم به جانبداری از روسیه است، آیا زمان آن فرانسویده که دنبال متحدان استراتژیک برای خودمان باشیم؟

برگزیده‌ها

مدیرعامل انجمن تواناب در گفت‌وگو با «شرق»:

دولت جلسات نمایشی با انجمن‌ها تشکیل ندهد

۷

همه آنچه رئیس جدید سازمان محیط زیست نیاز دارد

تخصص، تجربه و قلبی تپنده برای خاک ایران

۱۰

در نخستین روزهای المبیک، کاروان ایران با وجود وعده‌های الوان چندساله هیچ دستاوردی نداشت چشم‌انتظار روزهای پیش‌رو

یک هفته بدون مدال

۹

یادداشت

عدالت بدون بخش خصوصی آب در هاون کوبیدن است



پژمان جوزی

رئیس انجمن صنعت ساختمان

یکی از ششعارهای زیربنایی رئیس جمهوری در دوره تبلیغات عدالت بود. عدالت راز ماندگاری و پایداری هر جامعه‌ای است که مسئولان آن می‌خواهند شهروندان در رفاه نسبی و فارغ از دغدغه‌های روزمره زندگی کنند. این شعار رئیس‌جمهور شاخک‌های برخی از جریان‌های چپ‌کرای اقتصادی را تیز کرده و از این دستاویز به دنبال راهی برای مبارزه با سرمایه و نظام مبتنی بر سرمایه هستند. در ابتدای بحث این سؤال را مطرح می‌کنم که آیا برقراری عدالت با نظام مبتنی بر سرمایه در تضاد است؟ پاسخ این سؤال یک «نه» محکم است. برخلاف تصورات رایج، تجربه بشری نشان داده است که مخالفت و تقابل با سرمایه و نظام سرمایه‌داری ضد عدالت است و مانع از توزیع عادلانه نسبی ثروت و رفاه می‌شود. اصولاً یکی از دلایل شکست نظام‌های مبتنی بر سوسیالیستی-کمونیستی قراردادن سرمایه‌دار در برابر جامعه به بهانه عدالت و برقراری زندگی بر مساوات بود. در نتیجه برخلاف تصورات رایج، اقتصاد دستوری نه‌تنها ضامن برقراری عدالت اجتماعی نیست و نخواهد بود، بلکه آن را به زمین می‌زند. اگرچه این گفته به معنای آن نیست که اقتصاد مبتنی بر بازار تضمین‌کننده عدالت مطلق است. برقراری عدالت و دستیابی به آن همواره از آرزوهای بشر بوده و تلاش‌های فراوانی برای آن شده است اما برپایی عدالت مطلق ممکن نیست، مگر برقراری عدالت نسبی که در برخی از کشورهای سوسیال‌دموکرات و برخی از کشورهای اسلامی (مبتنی بر کسب ثروت از طریق فروش نفت و جذب سرمایه‌گذار) حاکم شده است و مراد رئیس‌جمهور نیز برقراری چنین عدالتی است. بر مبنای آموزه‌های اسلامی هم که رئیس‌جمهوری مکرراً بر آن تأکید دارند، اگرچه مالکیت مطلق تنها از آن خداوند است، اما کسب سود و سرمایه نه‌تنها در اسلام منع نشده بلکه عایشه همسر پیغمبر (ص) از بزرگ‌ترین تجار و ثروتمندان عصر خود بود. پیامبر نیز پس از فتح مکه نه‌تنها جان، بلکه مال همه افراد از جمله خاندان ابوسفیان را در امان نگه داشت. پس برخلاف تصورات رایج ارزش‌گذاری نظام مبتنی بر سود و سرمایه نه‌تنها مغایر با اصول اسلامی نیست، بلکه مورد حمایت آن است. باید به این نکته نیز توجه داشت که اصولا مبنای عدالت توزیع بی‌ضابطه ثروت نیست بلکه ارج‌نهادن به جایگاه انسانی هر فرد است.

۵ صفحه
ادامه در صفحه ۵